



به مناسبت هفتم صفر؛ خلافت امام مجتبی(ع) در منابع اهل تسنن

شخصیت امام حسن بن علی(ع) گرچه مانند شمس فروزان بر تارک عالم تلاؤ می کند اما از سالیان دراز از سوی معاندان و جهال شبهات و ایراداتی پیرامون شخصیت گرانمایه ی حضرتش ایراد گردیده است، که از آن جمله مباحثی در رابطه با خلافت و نحوه به حکومت رسیدن ایشان است.

خبرگزاری مهر، علی کریمی: شخصیت امام حسن بن علی(ع) گرچه مانند شمس فروزان بر تارک عالم تلاؤ می کند اما از سالیان دراز از سوی معاندان و جهال شبهات و ایراداتی پیرامون شخصیت گرانمایه ی حضرتش ایراد گردیده است، که از آن جمله مباحثی در رابطه با خلافت و نحوه به حکومت رسیدن ایشان است.

دراین مجال بر آن شدیم تا با استناد به کتب اهل سنت و احتجاج از این منابع که قطعا بر برخی افراد این نوع استناد حجت را تمام خواهد نمود، موضوع خلافت امام مجتبی(ع) را بررسی نماییم.

اعظم اهل سنت در کتب و تالیفات مکتوب خویش با عبارات و الحان گوناگونی به خلافت امام حسن(ع) اشاره نموده اند، از آن جمله:

الف- ابن ابی الحدید معتزلی نقل می نماید: «هنگامی که علی علیه السلام از دنیا رحلت نمود، عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب نزد مردم آمد و خطاب به آنان گفت: همانا امیرالمومنین از دنیا رفته و از خود جانشینی به جای گزارده است. اگر دعوت او را اجابت می کنید نزد شما آید و اگر کراهت دارید هیچ کس بر دیگری اجباری ندارد. مردم گریستند و گفتند: بلکه نزد ما بیاید. حسن(ع) برآنان وارد شد و خطبه ای برای آنان ایراد کرده فرمود: ای مردم اتقوا الله ! همانا ما امیران شماییم و ما اهل بیتی هستیم که خداوند در حق ما فرمود: خداوند قطعا می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور نماید و کاملا شما را پاک نماید. پس آنگاه مردم با آن حضرت بیعت نمودند!» (۱)

ب- ابن عباس بعد از شهادت امیر مومنان خطاب به مردم گفت: «این فرزند دختر پیامبر شماست و وصی امام شما پس با او بیعت نمایید.» (۲)

ج- باز ابن ابی الحدید که از مفاخر عامه است در رابطه با خلافت امام حسن(ع) می گوید: «امام علی علیه السلام هنگام وفاتش برحسن(ع) عهد خلافت نمود» (۳)

د- هیثم بن عدی گوید: «عده ای از مشایخ و بزرگان را که درک کردم بر من حدیث کردند که علی بن ابی طالب (ع) امر خلافت را به حسن(ع) واگذار نمود.» (۴)

ر- جندب بن عبدالله گوید: «علی علیه السلام بر من وارد شده و من عرض کردم یا امیر المومنین! اگر تو را نیافتیم که خدا چنین روزی را نیاورد- آیا با حسن بیعت نماییم؟ حضرت فرمود: آری!» (۵)

ز- ابوالفرج اصفهانی و دیگران نقل نموده اند که: «هنگامی که خبر شهادت امیرمومنان علیه السلام به ابو الاسود رسید بلند شد و ضمن خطبه ای گفت: به طور حتم او علی علیه السلام بعد از خود بر فرزند رسول خدا حسن- وصیت نمود!» (۶)

و- مسعودی نقل می کند که همانا امیرالمومنین(ع) فرمود: «همانا من به حسن و حسین وصیت می نمایم ، پس گوش به سخنان این دو داده و از آن دو اطاعت نمایید.» (۷)

بنابراین واضح و مبرهن است که اوضاع و احوال و شرایط سیاسی، اجتماعی آن زمان به خوبی این را دریافت کرده بود که قطعا و بدون هیچ شک و شبهه ای خلیفه و حاکم اسلامی بعد از امیرالمومنین(ع)، امام مجتبی(ع) می باشد. اما دسیسه ها و خدعه های بی حد و حصر معاویه ملعون افراد سست ایمان و اخیانا لا ایمان را برآن داشت که امام زمان خویش را به راحتی آب خوردن کنار گذاشته و به مطامع دنیوی دل ببندند.

همان چیزی که امام مجتبی(ع) فرمود که: «به خدا سوگند ای حجر! اگر هزار نفر سپاه داشتم، نه بلکه حتی صد نفر، بلکه حتی هفت نفر یار داشتم آنها را رها نمی کردم و به جنگ معاویه می رفتم!» (۸)

اینجاست که با سوز و گدازی وصف ناپذیر به اوج مظلومیت و حق پایمال شده این امام همام پی می بریم و می دانیم که او نیز برای حفظ اسلام و جلوگیری از انشقاق امت واحده از حق پایمال شده چشم پوشید و به صلح رضایت داد!

منابع:

۱- شرح ابن ابی الحدید ج ۴ ص ۸ / الآغانی ج ۶ ص ۱۲۱

۲- شرح ابن ابی الحدید ج ۱۶ ص ۳۰ / الفصول المهمه ص ۴۶

۳- شرح ابن ابی الحدید ج ۱ ص ۵۷

۴- عقد الفرید ج ۴ ص ۴۷۴ و ۴۷۵

۵- مناقب خوارزمی ص ۲۷۸

۶- الآغانی ج ۶ ص ۱۲۱

۷- اثبات الوصیه ص ۱۵۲

۸- خصیصی حسین بن حمدان، الهدایه الکبری ص ۱۹۲/البلاغ بیروت